

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نشریه رنجبر شماره ۱۷۹

۱۴ می ۲۰۲۰

## جهان بعد از کرونا

### جهان بعد از کرونا: چه خواهد شد؟

تا به امروز بیش از یک و نیم میلیون از جمعیت جهان به بیماری کرونا مبتلا گشته و زندگی نزدیک به صد هزار نفر برباد رفته است. این ویروس مرگبار روز افزون گسترش می‌یابد و نظام سرمایه‌داری هنوز راهی جهت ریشه کن کردن آن نیافته است. بیکاری گسترده، فقر فزاینده، خطر ابتلاء به ویروس کرونا و مرگ ناشی از آن کل جامعه انسانی را تهدید می‌کند.

در گذشته‌ای چندان دور، یعنی در سال ۱۹۸۱ بیماری ایدز (HIV) ظاهر شد و تا سال ۲۰۰۹ باعث ابتلای ۳۴ میلیون و مرگ ۳۰ میلیون نفر شد. این ویروس هنوز هم هر ساله جان میلیون‌ها نفر را می‌گیرد.

بیماری آبولا در سال ۱۹۷۶ شناخته گردید که تا کنون در غرب افریقا و دیگر کشورهای جهان جان هزاران نفر را گرفته است. امروز نیز ویروس کرونا شیوع جهانی یافته و مشغول کشتار است. سرمایه‌داری با شروع هر ویروسی سعی می‌کند از آن به عنوان یک ساتر استفاده کند و بحران‌های خود را بپوشاند. وقتی هدف برآورده شد، آن را به حال خود رها می‌کند. این که بعداً جان چند میلیون انسان در خطر قرار می‌گیرد برای سرمایه‌داری دارای اهمیت چندانی نیست. همان طور که سرمایه‌داری نتوانست و یا نخواست ایدز و آبولا را ریشه کن کند، همان طور هم ممکن است که کرونا به سرنوشت ایدز و آبولا دچار شود، یعنی پس از پروسه اوجش پشت صحنه کشیده شود. به احتمال قوی آینده جهان همزیستی ویروس‌های خطرناک با نظام سرمایه‌داریست، که در آن روزانه چند ده هزار نفر قربانی خواهند شد. ما در این نوشته واژه «بعد از کرونا» را به مفهوم بعد از ریشه کن شدنش در نظام سرمایه‌داری (که احتمالش بعید به نظر می‌رسد) و یا بعد از فروکش آن و کشیده شدنش پشت صحنه آورده‌ایم.

لازم به یادآوریست که تا پیش از کرونا، بحران عمیقی اقتصاد جهانی را می‌لرزاند. چرخش سرمایه هر روز کندتر و بازدهی سرمایه هر روز کمتر می‌گردید. درآمد دولت‌ها دیگر کفاف مخارج روزافزون‌شان را که بخش اعظم آن صرف ساخت و خرید تسلیحات نظامی می‌شد، نمی‌داد. این پروسه که از دهه‌های پیش آغاز شده بود در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۸ به اوج خود رسید. این بحران را علاج اقتصاد سرمایه‌داری امپریالیستی را می‌توان در مقدار فرض کل نظام جهانی سرمایه‌داری مشاهده کرد.

مقدار قرض کلیه کشورهای جهان حدود ۲۳۳ تریلیون دلار (۲۳۳ هزار میلیارد دلار) و برابر است با ۳۲۱ درصد تولید ناخالص جهانی. کسری بودجه کشورهای جهان که در سال ۲۰۱۸ نسبت به سال ۱۹۹۸ دو برابر شد و به ۴۴ تریلیون دلار بالغ گردید، نشان از رشد تصاعدی این قرض و بحران مزمن نظام جهانی سرمایه دارد.

در نظام سرمایه‌داری بعد از کرونا، جهت حل این معضل لاینحل، دو فاکتور مکمل تشدید خواهد گردید: ۱- استثمار کارگران برای سود هر چه بیشتر و جبران خسارات حاکمان ناشی از شیوع کرونا ۲- رقابت افسار گسیخته بین نیروهای امپریالیستی جهت جمع آوری هر چه بیشتر ثروت ایجاد شده در انبان خود.

ویروس کرونا در روابط اقتصادی کشورهای جهان وقفه و افت به وجود آورد. مثلاً کشورهای اروپایی که هر ساله میلیاردها دلار از کشور چین کالا وارد می‌کردند، با شروع کرونا حجم معاملاتی این خط واردات به حداقل ممکن رسید و وقتی کرونا تمام سرزمین‌ها را درنوردید، وقفه تجارت، جهانی شد. این امر به اضافه تعطیل مؤسسات و شرکت‌های خدماتی و از کار افتادن حدود ۳۰ درصد از تولید جهانی، بحران اقتصادی نظام سرمایه‌داری را به بالاترین سطح خود در ۱۰۰ سال گذشته رسانده است که هر روز عمیق‌تر می‌گردد. مؤسسه Ifo مونیخ آلمان که سعی در تخفیف تأثیرات کرونا در اقتصاد جهانی دارد، تشدید بحران اقتصادی ناشی از کرونا را با بحران سال ۲۰۰۹ برابر ارزیابی می‌کند. در کشور چین از آغاز ظاهر شدن این بیماری تا اواخر ماه فیبروری همین سال ۵۰ درصد تولید اتومبیل نسبت به سال گذشته کاهش داشته است. تولید ناخالص ملی در آمریکا و آلمان به ترتیب حدود ۲۴ و ۲۰ درصد افت نشان می‌دهد. که ناشی از آن فقط در آمریکا ۱۰ تا ۱۵ میلیون نفر محل کارشان را از دست داده و بیکار خواهند شد.<sup>۱</sup>

تلاش ذاتی سرمایه‌داری کسب سود هر چه بیشتر است. در نتیجه بعد از کرونا مؤسسات طلبکار بر مؤسسات و کشورها و شرکت‌های بدهکار برای پرداخت وام‌هاشان فشار می‌آورند. شرکت‌های تولیدی و خدماتی نیز با پشتیبانی دولت‌های شان برای به دست آوردن سود بیشتر و پرداخت قرض‌های شان بخشی از کارگران را اخراج کرده و استثمار و فشار دائم‌التزاید به بخش‌های فعال و دیگر زحمتکشان جامعه را برای راندمان بیشتر، اعمال خواهند کرد. دیگر این که ریاضت اقتصادی، هم اکثریت کشورهای جهان را و هم طبقات فرودست در این کشورها را به فقر و بی‌بهداشتی مزمن کشانده است.

در نتیجه، بیکار سازی‌های گسترده کارگران، فقر روز افزون اکثریت جامعه در کلیه کشورها، گسترش جنایات اجتماعی، اعتیاد، دزدی، فحشا و گرانی بی‌رویه قیمت‌ها و در نتیجه گرسنگی و گسترش انواع بیماری‌های ناشی از سوء تغذیه، بشریت را لب پرتگاه نابودی خواهد کشاند. دقیقاً کرنا این فقر گسترش‌یابنده و تعمیق‌شونده را مورد حمله قرار داده است.

هر کجا ستم هست، مبارزه هست و هر کجا مبارزه هست آزادی هست. این یک قانونمندی اثبات شده اجتماعی است. طبقه کارگر که امروزه تحت خطرناکترین شرایط، به کار در کارخانه‌ها مجبور گشته است و چهره واقعی و نفرت‌انگیز سرمایه‌داری را با وضوح بیشتری می‌بیند، در شرایطی که تمام بخش‌های این طبقه در کشورهای مختلف در همین شرایط خطرناک به سر می‌برند و با همین سیستم نظامی و پولیسی دست و پنجه نرم می‌کنند، بعد از کرونا که زنجیر استثمار با شدت و قدرت بیشتری بر بدنش فرود آید، قیام می‌کند، عصیان می‌کند و دست به مبارزه متشکل

<sup>۱</sup> - تجارت نیوز - قرانت شده در ۲۰۲۰/۴/۱۱ - مارک زندی، اقتصاددان ارشد آمریکا در مؤسسه مودیز

جهانی می‌زند. آگاهی دیگر افسار و نیروهای مردمی نیز در تجربه این سه ویروس خطرناک نیز بالا رفته است و ناکارآمدی سرمایه‌داری در حل قطعی این معضل را با گوشت و پوست و استخوان درک کرده‌اند.

جهان بعد از کرونا، جهان بی اعتمادی فزاینده مردم به سیستم سرمایه‌داری، دنیای مبارزات بین‌المللی و همه جا گیر طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و آزادیخواهان است. جهان آینده را بحران انقلابی فرا خواهد گرفت.

لذا وظیفه مبارزه قطعی علیه چنین بلایای مخوفی، به عهده سوسیالیسم گذاشته شده است. زیرا فقط نظام سوسیالیستی که در آن زندگی سعادت‌مندانۀ هر انسان پیشرو، هدف جامعه است، می‌تواند چنین معضلاتی را ریشه‌ای حل کند. از این نظرگاه، حمله اساسی کرونا به کشورهای فقیر و طبقات فرودست یک معضل طبقاتی و برخورد به حل آن نیز برخوردی طبقاتی است.

ما زمانی می‌توانیم حوادث بعد از کرونا را روشنتر درک کنیم که رفتار جنایت‌کارانه و نفرت انگیز سرمایه‌داری نسبت به اکثریت جامعه را در همین ایام در نظر آوریم: رستوران‌ها، کافه‌ها، سینماها، مدارس، دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسات غیر تولیدی، اجباراً تعطیل شدند. حرکت بیش از دو نفر با هم، مشمول جریمه‌های سنگین می‌شود، هر فردی در خیابان باید با یک متر و نیم فاصله از فرد دیگر حرکت کند و... این اقدامات ظاهراً نشان دهنده نیت انسان دوستانه دولت سرمایه‌داریست به ویژه این که در برخی از کشورها به بعضی از مؤسسات در حال ورشکستگی نیز اندکی کمک مالی می‌شود. لازم به تذکر است که در هر بحران اقتصادی، سرمایه‌داری مقدار عظیمی از سرمایه را آگاهانه یا نابود می‌کند و یا به هدر می‌دهد. این امر برای به حرکت درآوردن مجدد چرخه تولید در ساختار سرمایه‌داری ضروریست. «کمک‌های» دولتی فوق نیز از این قبیل‌اند. در عین حال چشمان نزدیک بین را نیز از دیدن بحران فزاینده‌ای که کل سیستم سرمایه‌داری جهانی را گرفته و در سایه ویروس کرونا مستتر شده، می‌پوشاند. به بیان دیگر «کمک‌های دولتی، ایست به قیام مردم است.

ولی آنجائی که ارزش اضافه تولید می‌شود، یعنی در کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و شرکت‌های خدماتی آن‌ها، نه تنها چنین «دلسوزی» و «حمایت»‌هایی دیده نمی‌شود، بلکه به عکس دولت‌ها کارگران را وادار می‌کنند سر موقع در محل کار حاضر شوند، دوش به دوش هم در سالن‌های سر بسته در شرایطی که هیچ گونه حفاظ بهداشتی در اختیار نیست، به تولید و ثروت برای سرمایه‌داران پردازند. این امر باعث گسترش سریع بیماری کرونا در بین کارگران می‌گردد و چون اعضای این طبقه در بین مردم عادی زندگی می‌کنند، در نتیجه بیمار شدن کارگران به بیماری اکثریت آحاد جامعه می‌انجامد. در یکی از کارخانجات المان کارگران اعتصابی می‌گویند؛ شما که اجازه نمی‌دهید دو نفر در فاصله کمتر از یک متر و نیم با هم حرکت کنند، چگونه است که ما را مجبور می‌کنید که در همان شرایط و با همان درجه خطر کنار هم در صحبت با هم جهت پیشبرد کار و در سالن‌های سر بسته و بدون حفاظ کار کنیم و زندگی خود و جامعه خود را به خطر اندازیم؟

دقیقاً در این زمینه‌هاست که سرمایه‌داری چهره ضد کارگری و ضد بشری خود را با شفافیت نشان می‌دهد و نشان می‌دهد که برای رسیدن به سود حاضر است صدها میلیون نفر را قربانی نماید.

در جریان مبارزه علیه گسترش کرونا، دولت‌های جهان رفتار تا اندازه‌ای هماهنگ و نزدیک به هم را در پیش گرفته‌اند، در بسیاری از زمینه‌ها یک شکل و به یک شیوه عمل می‌کنند. مثلاً ضرورت قرنطینه شدن مردم در خانه‌های شان با توضیح بسیار اندک علمی ولی با تهدید و فشار حداکثر نظامی و پولیسی همراه بوده و هست. بعد از کرونا این روند نه تنها قطع نخواهد شد بلکه سرمایه‌داری با سیستم نظامی و پولیسی خود و با تجربه‌ای که در دوران شدت شیوع کرونا کسب کرده است، به محدود کردن هر چه بیشتر زمینه‌های دمکراتیک زندگی افسار و طبقات مختلف

به ویژه طبقه کارگر خواهد پرداخت. فشار حداکثر بدین جهت برای سرمایه‌داری ضروریست که در شرایط بعد از کرونا بحران اقتصادی، سیاسی و فرهنگی این نظام و ناتوانی و بی‌کفایتی سرمایه‌داری در حل بحران به روشن‌ترین وجهی خود را نشان خواهد داد. سرمایه‌داری برای موجودیتش وسیله‌ای جز سرکوب، کشتار و نابود کردن ندارد. وسیله‌ای که ناکارآمدی تاریخی‌اش را از گذشته‌های دور تا کنون ثابت کرده است.

لذا: بعد از کرونا سرمایه‌داری کشورهای مختلف ترور فاشیستی را هماهنگ با هم علیه اپوزیسیون در پیش خواهند گرفت.

ریزش اقتصادی سرمایه‌داری در جهان یک سطح نیست، همانند کل این نظام ناهمگون است. در جریان شیوع و گسترش کرونا مناسبات و تعادل اقتصادی موجود بین قدرتهای بزرگ جهان به هم خورده است.

در نتیجه بعد از کرونا بر سر غارت و تقسیم دسترنج زحمتکشان جهان، رقابت بین قدرتهای امپریالیستی شدت و حدت بی‌سابقه‌ای خواهد یافت، که جهان را به پرتگاه بحران‌های جدیدی خواهد کشاند.

علم همانند اسب راهواری است که سوارکار را به آن سمتی می‌برد که می‌خواهد. در نتیجه این امر که کنترل علم را چه طبقه‌ای در دست دارد از اهمیت فراوانی برخوردار است. امروزه سرمایه‌داری بر علم حاکم است و سعی می‌کند هر دستاورد علمی را در خدمت اهداف خود به کار گیرد. در جریان کرونا روشن شد که نقاط ضعف اساسی در سیستم کنترل جمعی، تبادل تجربه بین‌المللی دولت‌ها، آمادگی مقابله با حوادث پیش‌بینی نشده و غیره وجود دارد. در عین حال تعطیلی بسیاری از مؤسسات اجتماعی و گاه تولیدی، احتمال وجود سیستم‌های نوینی را در بهره‌کشی انسان از انسان، آموزش و پرورش، مراکز تفریحی، و خانه به‌عنوان محل کار و غیره، در مقابل سرمایه‌داری گشود.

در نتیجه بعد از کرونا تغییرات اساسی در کلیه سیستم‌های اجتماعی کار، آموزش، بهداشت، تفریح، خدمات عمومی و غیره به وجود خواهد آمد که از اکنون درک روشن از هر زمینه‌ای غیر ممکن است.

### **ایران بعد از کرونا: چه خواهد شد؟ و چه باید کرد؟**

ویروس کرونا چیست: این ویروس مثل هر ویروس دیگری عبارت است از یک زنجیره ژنی که در یک غلاف پروتئینی پوشانده شده است. در صورت ضعیف بودن سیستم ایمنی فرد، ویروس وارد گلبول سفید می‌شود و به علت ژن بودنش چگونگی فعالیت گلبول را بر عهده می‌گیرد. لذا کار گلبول و سلول‌های دیگر را مختل کرده، در صورت عدم مداوا، باعث مرگ می‌شود.

آیا رژیم سرمایه‌داری ایران قادر است ویروس کرونا را از کشور ریشه کن کند؟ احتمال این که سرمایه‌داری کلاً و رژیم سرمایه‌داری مذهبی ایران خصوصاً قادر به ریشه کن کردن بیماری کرونا باشند و بخواهند این بیماری را از روی نقشه جغرافیائی بزدایند، بسیار کم است

ما در همین نوشته دیدیم که اصولاً سرمایه‌داری از هر ویروسی برای پرده پوشی بحران‌های درونی خود و یا پیش‌برد اهدافش سود می‌جوید و وقتی ویروس وظیفه‌اش را انجام داد و یا بی‌اثر بود، به حال خود رها می‌شود تا جان مردم را بگیرد. در نتیجه باید قبول کرد؛ تا زمانی که این ساختار اجتماعی در ایران برقرار است، معالجه قطعی و ریشه‌ئی این بیماری مرگبار نیز امکان ندارد. به بیان دیگر زمانی که جمهوری اسلامی احساس کرد که دیگر نمی‌تواند به وسیله این ویروس جنبش‌های اجتماعی و غلیان‌های کارگری را بخواباند و به عنوان ساتری بحران‌های درونی خود را زیر آن مخفی کند، و قادر نیست قتل عام زندانیان سیاسی را به وسیله این ویروس به اتمام برساند، مثل دیگر نقاط جهان هیاهوی ویروس کرونا را می‌خواباند، و ویروس را به حال خود رها می‌کنند، همان‌طور که در مورد ایدز و آبول

کردند. از آنجائی که این ویروس می‌تواند اکثر مردم جهان را نابود کند، سرمایه‌داری داروهای تخفیف دهنده‌ای را به بازار عرضه خواهد کرد. ولی احتمال معالجه قطعی بسیار کم است.

به نظر می‌رسد تا دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی برپاست، زمانی به عنوان زمان بعد از کرونا وجود نخواهد داشت. همان طور که هنوز زمان بعد از ایدز و آبولای نیامده است.

اگر مردم ایران اراده کرده‌اند که واقعاً از شر چنین ویروس‌هایی خلاص شوند باید در درجه اول ویروس سرمایه‌داری حاکم بر این کشور را از میان بردارند.

مردم ایران طی ۴۰ سال حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، تحریم‌های اقتصادی امریکا و گسترش بیماری کرونا، در تجربه روزانه دریافته‌اند که حاکمان از هر حادثه و انگیزه‌ای جهت غارت اموال عمومی، بسط گسترش نفوذ خود در منطقه با تقویت گروه‌های تروریستی، تسویه حساب جناحی و غیره سود می‌برند.

هنوز کرونا پایش را بر زمین ایران محکم نکرده بود که ۵ میلیون ماسک صورت گم شد. بخوانید گمش کردند تا گرانتر بفروشند.

در شرایطی که طبقه استثمار شونده و زحمتکش ایران بیش از هر طبقه و قشری در جامعه فشارهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی را تحمل می‌کند و خط فقر در ایران ۵ الی ۶ میلیون تومان است، دولت و کارفرمایان حداقل حقوق کارگران را یک میلیون و هشتصد و سی و پنج تومان تعیین کرده‌اند

در حالی که گسترش کرونا و قتل عام ناشی از آن به کلیه احاد به ویژه اقشار و طبقات پائین جامعه ایران چنگ و دندان نشان می‌دهد و مردم خواهان محدودیت‌های بیشتری در حفاظت خود علیه کرونا هستند، دولت محدودیت‌های موجود را لغو می‌کند. «در یک نظر سنجی ۸۶,۴ درصد جامعه آماری اعلام کردند که با اعمال محدودیت‌های بیشتر که سلامت آن‌ها را تضمین کند، موافق هستند»<sup>۲</sup>

اما آقای روحانی در فکر تثبیت حاکمیت خود و دیگر سران رژیم جمهوری اسلامی است که می‌گوید: «می‌توان کار کرد و کرونا هم نگرفت» ولی بعد اقرار می‌کند که این دو با هم در شرایط ایران همخوانی ندارند و «همانگونه که تأمین سلامت مهم است تأمین نیازهای ضروری مردم نیز اهمیت دارد.» و در این اولویت‌ها «گاهی ممکن است یکی فدای دیگری شود.» به بیان دیگر مردم کارکن باید فدای نیازمندی‌های «عمومی» (بخوان نیازمندی‌های سرمایه‌داری حاکم بر ایران) شوند.

در همین حال در بحبوحه کشتار کرونا، در حالی که مبتلایان بیش از هر موقع دیگر به کادرهای درمانی فداکار و از جان گذشته محتاج هستند، پرستاران جان بر کف و فداکار بعضی از بیمارستان‌ها را اخراج می‌کنند. این ابتذال تا بدانجاست که حتی بعضی از دست اندرکاران این رژیم را هم به اعتراض وادار کرده است: «رئیس سازمان نظام پرستاری تأکید کرده که این اخراج‌ها در بیمارستان‌هایی صورت می‌گیرد که به خاطر تلاش و کوشش پرستاران و به "مدد تعرفه‌های سنگین و چند برابری خدمات و مراقبت‌های سلامت" میلیاردیها تومان سود و درآمد، عاید سهامداران و مسؤولان آن‌ها شده است.»<sup>۳</sup> آنچنان وضعیت در مقابله با کرونا و بی مسؤولیتی دولت ایران و دیگر دولت‌ها نسبت به

<sup>۲</sup> - دویچه وله - علیرضا زالی، فرمانده ستاد مقابله با کرونا در شهر تهران، روز جمعه ۲۲ فروردین [حمل]

<sup>۳</sup> - دویچه وله - اعتراض به اخراج پرستاران... - قرائت شده در ۱۱/۴/۲۰۲۰

جان مردم فاجعه بار است که حتی نویسندگانی از سایت‌های امپریالیستی هم مجبور به اقرار شده‌اند: «ویروس کرونا نه فقط در ایران که در تمامی کشورها باعث شده که اختلافات طبقاتی در جامعه به نحو روشن‌تری آشکار شود.»<sup>۴</sup>

با قدری دقت می‌توان دید که تعداد تلفات طبقات فرو دست ناشی از کرونا به ویژه در ایران، به مراتب بیشتر از تلفات طبقات فوقانی جامعه است. علت نیز روشن است: امکانات رفاهی و درمانی طبقه حاکم به مراتب بیشتر از امکانات طبقات و اقشار فرودست جامعه است. کرونا کاملاً طبقاتی مردم را در می‌کند.

اکثریت مردم ایران به این اجحافات، دزدی‌ها، بی‌مسئولیتی‌ها، بی‌لیاقتی‌ها و ستم‌های سیاسی به اشکال مختلف انعکاس نشان می‌دهند، مبارزه می‌کنند و نارضایتی خود را با شدت ابزار می‌نمایند.

ایران بعد از کرونا، ایران بی‌اعتمادی عمیق اکثریت مردم نسبت به بورژوازی حاکم، ایران مبارزه و ایران غلیان‌های اجتماعی است.

طبقه کارگر ایران همبستگی طبقاتی خود را در جریان مبارزه با رژیم حاکم و خطرات بیماری کرونا، بیش از پیش درک نموده و به آن آگاه گشته است.

طبقه کارگر بعد از کرونا، با تجربیات گران قدری که در طول تاریخ زندگی‌اش کسب کرده، با تجربیاتی که از مناسبات دولت، خودش و بیماری کرونا نصیبش گشته، با شعور سیاسی بالایی که در این جریان به دست آورده است، خواسته‌هایی را مطرح خواهد کرد که در قالب این رژیم سرمایه‌داری مذهبی ایران نخواهد گنجید.

لذا بعد از کرونا گرایش طبقه کارگر به چپ، و تقابلی با رژیم سرمایه‌داری ایران با گستردگی بیشتری نسبت به دوران پیش از کرونا جریان خواهد داشت.

در جریان کرونا، اقشار و طبقات تحت استثمار، ستم دیده و آزادیخواهان کشور در عمل دریافته‌اند که فقط همبستگی و همیاری شان می‌تواند حلال مشکلات باشد. آن‌ها در یاری و همدردی و کمک رسانی، گوی سبقت از هم می‌ربایند و از فداکاری و از جان گذشتگی دریغ ندارند. از آن جمله‌اند؛ کارکنان زحمتکش و از جان گذشته سیستم درمانی که علی‌رغم کارشکنی‌های مقامات دولتی، با تمام توان در خدمت این مردم ستم دیده قدم در راه گذاشته و جان بر کف نهاده‌اند.

بعد از کرونا این تجربه عامل قدرتمندی در تعمیق، گسترش و ثبات مبارزات اقتصادی، سیاسی و خیزش‌های انقلابی و سازماندهی کلیه نیروهای مترقی جامعه خواهد بود. این تجربه مبارزه طبقاتی در جامعه را تسریع خواهد کرد.

ویروس کرونا که با میکروسکپ‌های قوی نیز به سختی قابل تشخیص است، خدای پر عظمت تمام ادیان الهی را با سر به زمین کوبید. همین ذره ناچیز خدایان بی‌شمار و تمام دار و دسته مقدسان، از ارواح مقدسه تا پیامبران و امامان رنگارنگ را به قرنطینه فرستاد و نشان داد تبلیغات هزار و چند صد ساله رهبران مذهبی جز عوامفریبی و سوار شدن بر ذهن و اندیشه مردم جهت رسیدن به زندگی پر طمطراق این جهانی نبوده است.

بعد از کرونا، جمهوری اسلامی تلاش خواهد کرد این شکست را جبران کند و این برملا شدن را سرپوش نهد. بعد از کرونا در حالی که اکثریت مردم هر چه بیشتر به علم و داده‌های علمی اعتماد خواهند کرد و بدان رو خواهد آورد و از اعتقادات مذهبی دورتر خواهند شد، تبلیغات اسلامی و دامن زدن به عقاید خرافی نیز ابعاد وسیع‌تری خواهد یافت.

<sup>۴</sup> - دویچه وله - آمار مرگ و میر بر اثر کرونا در ایران در میان فقرا بالاتر است - قرائت شده در ۱۲/۴/۲۰۲۰

## چه باید کرد؟

در همین مدت کوتاه شیوع بیماری کرونا، آگاهی مردم از طفیلی بودن نظام سرمایه‌داری، ضد مردمی بودن آن، پوچ بودن هذیان‌های خرافی، بی‌لیاقتی و ارتشاء حاکمان، پوشالی بودن نظام سرمایه‌داری ایران، به اندازه ده سال معمولی تکامل یافته است. مردم در زمینه‌های مشخصی به ویژه در مقابله با بیماری کرونا دریافتند که با همبستگی، اتحاد و یکی شدن می‌توان به دستاوردهائی رسید.

این امر در حالی که برای تسریع تکامل مراحل مختلف مبارزه علیه رژیم سرمایه‌داری مذهبی ایران لازم و ضروری است، ولی کافی نیست.

رژیم ایران جهت حفظ و بقای نظام سرمایه‌داری، مقابله و سرکوب جنبش‌های طبقات و اقشار ناراضی، دارای رهبری بسیار منسجم، نیروی نظامی و خدماتی کاملاً متشکل و ارگان‌های سرکوب تا به دندان مسلح نظامی و مذهبی می‌باشد. بودجه‌ علنی نظامی ایران حدود ۲۰ میلیارد دلار است. ولی بودجه ناگفته نظامی ایران بیش از این ارقام می‌باشد. علی‌خامنه‌ای، فرماندهان ارشد ارتش، سپاه پاسداران و دستگاه عریض و طویل بوروکراسی، این رهبری منسجم را تشکیل می‌دهند. تعداد نیروهای مسلح و ابواب جمعی خدماتی آن حدود ۹۳۴ هزار نفر است<sup>۵</sup> که همه در سلسله مراتب گوناگون متشکل هستند و متشکل عمل می‌کنند.

این رهبری منسجم و دستگاه عریض و طویل نظامی با هر اوج مبارزات مردم، ترک بر می‌دارد، تضادهای درونی‌اش رشد می‌کند و آشفتگی بر ارکانش غالب می‌شود، کوچکتر می‌شود و در پروسه بعدی منسجم‌تر عمل می‌کند.

در نتیجه: باید متشکل شد. ولی این تشکل به علت وجود زمینه‌های مختلف فعالیت اجتماعی و ناهمگونی بخش‌های مختلف هر زمینه فعالیت، نمی‌تواند یک دست و تک گونه باشد. لذا تشکل اقشار و طبقات و عناصر ناراضی و مردمی بسیار گسترده و نا همگون خواهد بود. نفی این گسترده‌گی نفی واقعیت جامعه است. از گردهم‌آئی چند نفر برای همیاری، کمک و حل یک مسأله در خدمت مبارزه و انقلاب، تا ایجاد سندیکاها و شوراهای کارگری مستقل و انجمن‌های علنی در خدمت مبارزه علنی همه و همه می‌توانند در شرایط متفاوت نوعی تشکل برای پیشرفت و مبارزه علیه رژیم دد منش جمهوری اسلامی باشد ولی از نگاه ما متکامل‌ترین نوع تشکل، تشکل شورائی است، تشکلی که در درون آن گسترده ترین دموکراسی و در عین حال منسجم‌ترین عمل کرد مشترک، امکان پذیر می‌گردد.

در این تشکل‌ها می‌باید به طور دائم اقدامات رژیم علیه اپوزیسیون بحث و تحلیل شود و راهکارهای نوین و منطبق با شرایط آن لحظه اتخاذ گردد.

تشکل‌های مختلف در هر زمینه فعالیت اجتماعی می‌باید همدیگر را پیدا کنند و شرایط را برای همبستگی و ایجاد شورای عمومی زمینه فعالیت اجتماعی خود فراهم آورند. به ویژه فعالان جنبش کارگری می‌باید بتوانند شوراهای مستقل کارگری خود را در هر کارخانه‌ای که کار می‌کنند، سازمان دهند. باید از اسماعیل بخشی و دیگر فعالان هفت تپه آموخت و سرسختانه این تشکل‌های کارگری را به وجود آورد. باید همه جویبارها را به سیل خروشان تبدیل کرد تا رژیم سرمایه‌داری ایران را از بیخ و بن برکند.

در این لحظه تاریخی کشور ما ضروری است که مذاهب نقد شوند (نقد و نه توهین) باید ریشه‌ها و شرایط به وجود آمدن، رشد و گسترش آن‌ها مورد تحقیق قرار گیرد. باید سیستم‌های فلسفی ایدئالیستی مورد مذاقه قرار گیرد و تضاد

<sup>۵</sup> - سایت تحلیلی خبری عصر ایران - قرائت شده در ۱۲/۴/۲۰۲۰

داده‌ها و نرم‌های مذهبی با داده‌ها و نرم‌های علمی (دیالکتیک ماتریالیستی) مقایسه شود تا پوچی و ارتجاعی بودن آن‌ها با دلایل کافی توسط مردمان مترقی پذیرفته گردد. بدون چنین نقد ریشه‌ئی پیشرفت و تکامل تاریخی برای پرولتاریا و زحمتکشانش تقریباً غیر ممکن است.

و اما آن نیروئی که می‌تواند و وظیفه دارد به لحاظ تاریخی این جویبارهای پراکنده را به سیلی خروشان تبدیل کند و مذهب و آئین‌های ایدئالیستی و متافزیک‌ی را نقد علمی نماید، حزب کمونیست سراسری ایران است در نتیجه کلید حل معضل سرنگونی سرمایه‌داری در ایران، در دست حزب کمونیست سراسری می‌باشد. ولی متأسفانه جنبش کمونیستی ایران در پراکندگی و بی‌رابطه با طبقه کارگر در انزوا به سر می‌برد. دقیقاً علت پراکندگی آن هم همین انزواست. لذا در مقابل جنبش کمونیستی ایران یک وظیفه تخطی ناپذیر قرار دارد و آن حرکت در سمت طبقه و جنبش کارگری و تلاش مستمر در یکی شدن است.

پیشنهاد ما این است که سازمان‌ها و احزاب در این جنبش معیارهای خود را برای وحدت و برنامه عام خود را برای رسیدن به طبقه کارگر طرح کنند تا مبارزه ایدئولوژیک سالم و انقلابی برای یکی شدن آغاز گردد. ما چاره‌ای جز وحدت نداریم. تشکیل جبهه‌های واحد همکاری در جنبش کمونیستی نیز ناکارآمدی خود را عیان ساخته و نشان داده است که تشکیل این جبهه‌ها فقط برای وقت گذرانی آگاهانه به وجود می‌آیند.

لذا کوشش پیگیر و تا پای جان برای پیوند با طبقه و جنبش کارگری و ایجاد حزب کمونیست سراسری ایران در این روند، وظیفه آن گروه‌ها، سازمان‌ها و احزابی است که خود را انقلابی و کمونیستی می‌دانند. بگذار با انجام این وظیفه طبقاتی در دادگاه تاریخی طبقه کارگر سرافکنده و شرمسار نباشیم. ایران بعد از کرونا، ایران مبارزه و انقلاب علیه نظام سرمایه داری خواهد بود. خود را آماده کنیم.

۱۳ اپریل ۲۰۲۰